الگوپذيرى زنان ايرانى از حضرت زينب(عليهاالسلام) در روندپيروزى انقلاب

خديجه عالمى

اشاره:

مهم ترين رسالت جامعه ى اسلامى ايران, شناسايى الگوهاى دينى و اسلامى است. معرفى اين الگوها در مسايل زنان از ضرورىترين نيازها در شناخت صحيح شخصيت انسانى و جايگاه اجتماعى زنان مى باشد. زنان مسلمان همواره در صحنه هاى مختلف اجتماعى, سياسى و اقتصادى از صدر اسلام تا به امروز, حضور جدى داشته اند. نمونه ى اين گونه فعاليت ها از سوى زنان مسلمان در مواردى; مانند نهضت تنباكو, مشروطه مقابله با كشف حجاب و روند انقلاب اسلامى ايران به خوبى نمايان است. در جريان انقلاب اسلامى ايران, گام هاى مهمى در جهت نفى سلطه گرى از سوى زنان مسلمان ايران برداشته شد. زنان ايران با رسيدن به خودآگاهى و خودباورى, با اشتياق تمام پذيراى نظام اسلامى شدند. آن ها با آگاهى نسبت به مبانى احكام اسلامى و با تلاش و مبارزه, خود را از قيد اسارت خائنان به جايگاه زن آزاد كرده و در اين آزادى ((زينب گونه)) وارد عرصه هاى سياسى, اجتماعى و اقتصادى شدند. در اين مقاله به بررسى نقش الگوپذيرى زنان ايرانى در پيشبرد پيروزى انقلاب اسلامى ايران خواهيم پرداخت. بدون شك اين الگوپذيرى بر گرفته از نقش حضرت زينب(عليها السلام) در واقعه ى كربلا است. رهبرى حضرت زينب(عليها السلام) در جريان عاشورا و استوارى وى در اين راه, همواره در جوامع اسلامى به عنوان الگوىبرتر و بى نظير در نزد زنان بوده است. به عبارتى در قيام هاى اسلامى نه تنها بحث از عاشورا و پيروى امام حسين(عليه السلام) مطرح مى شود, بلكه نقش بزرگ حضرت زينب(عليها السلام) به عنوان الگو و سرمشق نيز مد نظر قرار مى گيرد.

اتخاذ حجاب و پوشش اسلامى و فعاليت آن ها در روند مبارزات و هم چنين شهادت طلبى زنان و ترويج فرهنگ آن در جامعه ى ايران, از جمله اصولى بود كه بانوان مبارز ايرانى به پيروى از حضرت زينب (عليهاالسلام) , براى پيشبرد پيروزى انقلاب اسلامى ايران سر لوحه قرار دادند.

اگر چه در قيام ها و مبارزات, حضور فيزيكى مردان مانع از برجستگى نقش زنان مى گردد, اما بديهى است اصول اوليه براى ايجاد مقدمات در قيام ها و مبارزات به نقش غيرمستقيم زنان مرتبط مى گردد. با توجه به شرايط موجود در دوره ى قبل از انقلاب اسلامى, تعيين الگو و سرمشق از سوى زنان ايرانى جهت شركت در مبارزات انقلابى, ضرورت داشت. تبيين الگو در حركت هاى اجتماعى در واقع به عنوان هدف و مسيرى مشخص براى زنان ايران به شمار مى رفت. بنابر اين اولين توجه زنان مسلمان ايرانى و مبارز, توجه به امر حجاب و پوشش مناسب بود. به عبارتى زنان مبارز ايرانى, ارزش هاى مذهبى خود را از ارزش هاى مورد تبليغ دوره ى پهلوى جدا كردند. مى توان چنين اظهار نمود كه شركت زنان ايرانى در صفوف مقدم انقلاب اسلامى ايران, نشان دهنده ى عدم انطباق خواسته هاى فرهنگى آنان با فرهنگ رايج در جامعه ى ايران بود. حضور زنان در صحنه هاى انقلاب, نشان گر نفى نظريه ى ((حجاب مانعى براى زن)) بود. بدين ترتيب با اتخاذ حجاب, اولين گام هاى زنان ايران در ورود به مبارزات انقلابى برداشته شد. بدون شك اتخاذ پوشش اسلامى از سوى زنان ايرانى با پيروى از الگويى مانند حضرت زينب (عليهاالسلام) بود. زنان به اين درك رسيده بودند كه در عين حفظ ضوابط و موازين شرعى, مى توانند در سازندگى و ايجاد يك جامعه ى اسلامى سهيم باشند. الگوپذيرى زنان ايران را مى توان به وضوح در سخنان امام خمينى يافت. ايشان در سخنان خود با اشاره به شجاعت حضرت زينب(عليها السلام) زنان جامعه ى ايران را به زنان صدر اسلام تشبيه نمودند.(1)

اين سخن بيان گر اين مطلب است كه ادعاى مخالفين حجاب مبنى بر اين كه حجاب مانع فعاليت زن است, ادعايى پوچ و بيهوده است. هدف آن ها از طرح اين ادعا, چيزى جز سودجويى و پرداختن به لهو و لعب نيست. اتخاذ حجاب از سوى زنان, افزايش ايمان و رشد آگاهى هاى سياسى, مذهبى و فرهنگى آنان را به دنبال داشت. به تعبير امام خمينى(قدس سره) ((زنان ايران, آزادى خود را در پوشش اسلامى يافته بودند));(2) و اين امر از اقدام زنان عليه فرهنگ رايج دوره ى پهلوى روشن مى گردد.

امام خمينى در اين مورد صريحا اظهار فرمودند كه تحول ايجاد شده در زنان ايران و گرايش آن ها به حجاب اسلامى, تحولى عظيم و بزرگ است و اگر انقلاب نتايج ديگرى نداشته باشد اين يك امر, براى انقلاب ما كافى است. ايشان در ادامه ى مطالب خود افزودند: ((بانوان در دوره ى پهلوى به اين آگاهى رسيدند و به حجاب گرايش يافتند و در انقلاب شركت كردند. اين تحول در زنان بالاترين تحول در جامعه ى ما است.))(3)

به عبارتى, در نگاه امام خمينى شخصيت اجتماعى زن مسلمان و حضور سازنده ى او در جامعه, تنها با حفظ جهات شرعى ممكن است كه مهم ترين اصل آن عفاف و حجاب مى باشد. (4) تإكيد امام خمينى بر مشاركت بانوان در جهاد شرعى نيز بر همين اصل استوار بود. امام خمينى در جريان انقلاب اسلامى ايران, ماندن زنان در خانه و بيرون نيامدن آن ها را غلط شمرد و به شركت زنان در جنگ هاى صدر اسلام تصريح كرده و فرمود: (5)

((زنان ايران نه تنها خود به اتخاذ پوشش صحيح مبادرت مى كردند, بلكه يكديگر را به اين امر تشويق مى كردند. گزارش هاى فراوان در اين مورد, حاكى از آن است كه آموزگاران مدارس, دانشآموزان را به پوشيدن مقنعه تشويق مى كرده اند.))(6)

تحول روحى هميشه منحصر به تحول مثبت نيست. تحول منفى زن به شكل گسترش انحرافات اخلاقى, از هم پاشيدگى نظام خانواده, پيدايش گروهك هاى مختلف; مانند هيپى گرى, پانكيسم و سپس بيمارىهاى روحى ـ روانى و افسردگى در جامعه نمودار مى شود. بنابراين مى توان اظهار كرد كه جهت و مسير حركت افراد در جامعه, وابسته به تحول روحى زنان است.

نقش زنان در قيام و مبارزات انقلاب اسلامى

اصل مهم ديگر, نقش رهبريت زنان در قيام و مبارزات انقلاب اسلامى است. نقش اين امر به شكل افزايش روحيه ى نبرد و ايجاد نيروى شجاعت مردان نمودار است. به عبارتى, زنان در انقلاب اسلامى ايران با حضور در صحنه هاى مبارزه, نقش اصلى را در عبرت گيرى مردان ايفا مى كردند.الگوپذيرى زنان ايران از حضرت زينب (عليهاالسلام) به حركت و رهبريت آن ها در انقلاب اسلامى ايران زيبايى و هدف بخشيد. حضرت زينب(عليها السلام) نه تنها در روند نهضت كربلا, با استقامت و بردبارى خود باعث تثبيت روحيه ى خانواده ى خود در شرايط بحرانى گرديد, بلكه پس از كربلا نيز با سخنان قاطع خويش عليه حكومت يزيد, حيرت حاضرين را برانگيخت.(7) بر ملا كردن ريشه هاى فساد در دستگاه اموى و حكومت يزيد از جانب حضرت زينب(عليها السلام) نه تنها رجال حكومت يزيد را به حيرت واداشت, بلكه هنوز نيز مورخين در حيرت مانده اند كه چگونه يزيد جرإت نكرد سخنان حضرت زينب(عليها السلام) را قطع كند. بدون شك زنان و دختران شهداى كربلا نيز با الگو پذيرى از حضرت زينب(عليها السلام) بردبارى خود را حفظ مى كردند. نطق حضرت زينب(عليها السلام) باعث رشد آگاهى اذهان مردم شد. شورش مردم مدينه, قيام توابين و سپس قيام مختار, از نمونه هاى برجسته ى نتايج كربلا و گفتارهاى قاطع حضرت زينب(عليها السلام) است. به عبارتى, حضرت زينب (عليهاالسلام) نه تنها به عنوان روحيه دهنده براى خانواده ى شهداى كربلا بود, بلكه با به دست گرفتن رهبرى اسراى كربلا شجاعت را در روح مسلمين و به ويژه مردان دميد.

سخنان امام خمينى(قدس سره) در تجليل از مقام زن, بيان گر مطالب فوق است. ايشان در سخنانى از مقام زنان, به ويژه زنان قم تجليل كرده و به شركت آن ها در مبارزات انقلاب اسلامى اشاره كرده است. امام(قدس سره) صريحا ذكر كرده اند كه زنان در صفوف مقدم نهضت بودند و مردها از زنان الهام مى گرفتند.(8) در سخنرانى ديگرى امام خمينى(قدس سره) ضمن تشكر از بانوان, شجاعت زنان را عامل افزايش شجاعت مردان ذكر نمودند.(9)

زنان ايران مبارزات مستقيم خود را با حضور در تظاهرات آغاز كردند. حضور آنان در تظاهرات به عنوان يك عنصر تكميل كننده در كنار مردان محسوب مى گرديد. طبق اسناد و مدارك موجود, اسامى بسيارى از زنان محصل و دانشجو ثبت شده كه نشان گر حضور فعال آن ها در برقرارى تظاهرات است.

به گزارش برخى از اين اسناد, دختران دبيرستانى, هم كلاسى ها و محصلين را عليه دستگاه دولتى تحريك نموده و مباحثى در مورد امام خمينى ذكر مى كرده اند. هم چنين در اين گزارش ها اظهار شده است كه اكثر دختران در كلاس درس, از آموزگاران خود در مورد مسايل سياسى و انگيزه ى خروج امام خمينى از ايران سوال مى كنند.(10) زنان ايران نه تنها به مسايل سياسى علاقه مند شده بودند, بلكه خود نيز در اين مسايل فعاليت مى كردند. آن ها در مدارس, شعارهايى را در حمايت از امام خمينى بر ديوار مدرسه مى نوشتند.(11) بانوان آموزگار نيز دانشآموزان را در حمايت از انقلاب اسلامى تشويق مى نمودند.(12)

حضور زنان در طيف گسترده و انبوه در مساجد و شركت در سخنرانى ها نشان گر شركت آنان در فعاليت هاى سياسى است.(13) اين امر به روشنى نشان دهنده ى آن است كه زنان به عنوان عضو تكميل كننده در پيروزى انقلاب اسلامى ايران سهيم بوده اند.

زنان ايران در فعال نگه داشتن روحيه ى انقلابى, تدابير ظريفى به كار مى بردند. فرستادن عمل كردهايى از تظاهرات به عنوان كارت تبريك براى يكديگر, يك حركت بسيار ظريف و دقيق در امر تبليغات بود كه از جانب بانوان صورت مى گرفت.(14)

شواهد نشان مى دهد كه زنان ايران در شهرهاى مختلف, جلسات سياسى داير كرده و در تظاهرات خيابانى به همراه فرزندان خردسال خود شركت مى كردند.(15) امام خمينى حضور فعال زنان در تظاهرات و ايستادگى آن ها در مقابل توپ و مسلسل را برخاسته از ايمان دانسته و صريحا اعلام كردند كه خانم ها از شهادت نمى هراسند.(16) به تعبير امام جرإت و شجاعت زنان ايران مانند يك معجزه بود.(17)

زنان ايران همواره يكديگر را به مطالعه ى كتاب و شناخت استعمار و سپس شركت در جهاد مقدس تشويق مى كردند.(18) فعاليت زنان مذهبى در روند انقلاب اسلامى در طيف گسترده وجود داشت.(19) رژيم پهلوى از زنان مذهبى به عنوان افراد متعصب نام مى برد و ذكر مى كرد كه اين زنان در جامعه ايجاد اخلال مى نمايند.(20)

ايجاد اعتصاب در بازار از ديگر اقدامات زنان مبارز ايران در روند پيروزى انقلاب اسلامى ايران بود. زنان در قوت بخشيدن به اعتصاب غذاى زندانيان در فروردين سال 1357 نقش اساسى ايفاكردند.(21) آن ها در حمايت از اين اعتصاب, با به راه انداختن تظاهرات و به دست گرفتن پلاكارد, شكايت خود را از ارتش و نخست وزير وقت اعلام كردند. عده اى از آن ها در اين جريان با تهاجم پليس روبه رو شده و به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و تعدادى نيز دستگير شدند.(22)

حضور گسترده ى زنان در واقعه ى 17 شهريور كه 650 تن از آنان در ميدان شهدا به شهادت رسيدند, نقش بزرگ زنان را در انقلاب اسلامى ايران آشكار مى كند.(23)

صدور فتوى از سوى امام خمينى(قدس سره) مبنى بر اين كه زنان ضمن حفظ حجاب, موظف به شركت در فعاليت هاى اجتماعى هستند, منجر به انبوه ترشدن حضور زنان كه تعداد آن ها تا 650 هزار نفر نيز ذكر شده است, گرديد.(24)

تقويت حضور زنان در روند پيروزى انقلاب اسلامى ايران, يك اصل مهم را در جامعه ى ايران آشكار نمود و آن نيروى بزرگ زنان بود كه تا آن زمان, اين چنين جدى و گسترده, نيروى باطنى خود را به نمايش نگذاشته بود. روند فعاليت هاى گسترده ى زنان نشان مى دهد كه نوع فعاليت آن ها همانند فعاليت هاى مردان بوده است. اتخاذ اصول اوليه به تبعيت از حضرت زينب(عليها السلام) از سوى زنان ايران نيروى ناشناخته ى آنان را نه تنها بر مردان, بلكه بر تمامى جوامع مسلمان و غير مسلمان آشكار نمود. زنان ايران با حفظ موازين شرعى و با رعايت اصول اسلامى, نه تنها از جريانات سياسى و فعاليت در مبارزات عقب نماندند, بلكه خود نيز به عنوان نقش تعيين كننده, در جريانات سياسى سهيم شدند.

اتخاذ پوشش اسلامى, پيش قدم بودن در مبارزات انقلابى, ايجاد جلسات سياسى, شركت در تظاهرات و ايستادگى در مقابل مسلسل ها نشان مى دهد كه زنان ايران نه تنها در امور سياسى نسبت به مردان عقب نبودند, بلكه حضور آنان در فعاليت ها, نيرو و قوت مردان را تقويت مى بخشيد. امام خمينى نيز نقش بانوان را در نهضت اسلامى بالاتر از نقش مردان اعلام كردند.(25)

دستگيرى زنان مبارز و شكنجه كردن آن ها از سوى ساواك, نشان گر الگوپذيرى دقيق زنان ايران به تبعيت از حضرت زينب(عليها السلام) است. مدارك و اسناد نشان مى دهد كه ساواك در شكنجه كردن مبارزين هيچ تفاوتى ميان زن و مرد قايل نبود. عده اى از مبارزين زن تا آخرين لحظه زير شكنجه مقاومت كرده و حتى از گفتن نام حقيقى خويش, خوددارى مى كردند.(26)

بسيارى از بانوان دستگير شده, زير شكنجه ى ساواك به شهادت مى رسيدند. طبق گزارشى, در زندان ((اوين)) آلبومى تهيه شده بود كه عكس و مشخصات تمامى دانشجويان دانشگاه ها و ساير موسسات جمعآورى شده بود. در صورت دستگيرى فردى, عكس وى با علامت ضربدر مشخص مى گرديد.(27)

طبق اين گزارش, در زندان اوين لباس هاى پاره شده و خون آلود زنان زندانى ديده مى شد كه علاوه بر آن, ديوارها و كف همه ى سلول هاى زندان خون آلود بود و حكايت از آن داشت كه زنان مبارز مورد شكنجه قرار گرفته اند.(28) مهم ترين و برجسته ترين اصل كه روند پيروزى انقلاب اسلامى ايران را تسريع مى كرد, نقش شهادت طلبى زنان ايران و ترويج فرهنگ آن در ميان جامعه بود. امام خمينى شهادت طلبى را تحولى عظيم به شمار آورده و تإكيد نمودند كه شهادت طلبى بالاتر از اصل مبارزه است.(29) زنان ايران نبرد عليه رژيم طاغوت را به ((جهاد مقدس)) تعبير كرده و آن را جزو وظايف دينى به شمار مىآوردند. زنان با ذكر اين نكته كه شهادت اجر اخروى دارد, يكديگر را به اين امر تشويق مى نمودند.(30) تبليغ زنان ايران به شهادت و افتخار آنان به شهادت مردان خويش, منحصر به شعار نبود, بلكه بسيارى از زنان در زندان هاى ساواك به شهادت رسيدند.(31)

شهادت طلبى زنان ايران

والاترين درجه ى فداكارى زنان ايران به شكل شهادت نمودار شد كه به عنوان آخرين اقدام لازم در تكميل روند مبارزات مورد استفاده قرار گرفت. اين امر به تبعيت از حضرت زينب(عليها السلام) بود. حضرت زينب (عليهاالسلام) نه تنها در برابر اجساد شهداى كربلا و به ويژه امام حسين(عليه السلام) بى تابى ننمود, بلكه با صراحت فرمود: ((ما رإيت الا جميلا; آن چه مى بينم جز زيبايى چيز ديگرى نيست.)) پرده گذاشتن بر صحنه هاى فجيع كربلا و نگريستن به شهادت و زيبايى آن, نشان گر اوج استقامت و صبورى حضرت زينب(عليها السلام) است. شهادت طلبى زنان ايران در پيشبرد پيروزى انقلاب اسلامى آن چنان مهم بود كه امام خمينى در اين زمينه خطاب به زنان فرمود: ((به شما كه با مبارزات خويش, روى ابرقدرت ها را سياه كرديد, درود مى فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع وخاشعم.))(32) هم چنين در پيامى ديگر شجاعت زنان و شهادت طلبى آنان را برخاسته از نور ايمان معرفى نمود.(33)

داشتن آرزوى شهادت از سوى زنان ايران و افتخار كردن به شهادت مردان خويش, موجب حضور فعال مردان و تقويت روحيه ى آن ها گرديد. بدين ترتيب حضور زنان مبارز ايران به عنوان قشر مستقل, در تكميل فعاليت ها و مبارزات موثر واقع شد و انقلاب اسلامى را به پيروزى رساند. امام خمينى نيز در پيامى اساس پيروزى ملت را شهادت دانسته و تإكيد فرمود: مسلمانان صدر اسلام با داشتن روحيه ى شهادت طلبى پيشرفت نمودند.(34)

بنابراين با بررسى روند فعاليت هاى زنان در جريان انقلاب اسلامى مى توان به اين نتيجه دست يافت كه زنان به عنوان قشرى از افراد جامعه, به طور مستقل ايفاى نقش مى كردند. اين ادعا كه زنان در مسايل سياسى و اجتماعى دنباله رو مردان هستند, نظريه ى صحيحى نيست. روندفعاليت هاى زنان ايران نشان مى دهد كه آنان با درك اصول و آگاهى هاى مستقل سياسى, در فعاليت هاى سياسى شركت مى كردند; زيرا تبعيت زنان از مردان منجر به توقف فعاليت آن ها و حتى تضعيف كردن روحيه ى مردان در شرايط بحرانى مى گرديد. بنابر اين نيرويى برتر در تثبيت فعاليت هاى زنان ايران لازم بود كه اين نيرو از طريق تبيين الگو و پيروى از بانوى بزرگ اسلام حضرت زينب (عليهاالسلام) امكان پذير گرديد.

پى نوشت ها

1. صحيفه ى نور, جلد 6, ص 187.

2. همان, جلد 2, ص 259.

3. همان, جلد 14, ص 130.

4. همان, جلد 14, ص 230.

5. همان, جلد 4, ص 59.

6. انقلاب اسلامى به روايت اسناد ساواك, كتاب چهارم, ص 301.

7. اللهوف, ص 237.

8. صحيفه ى نور, جلد 5, ص 176.

9. همان, جلد 5, ص 153.

10. كتاب چهارم, ص 342 ـ 354.

11. همان, ص 342.

12. همان, ص 320.

13. همان, ص 267.

14. همان, ص 354.

15. صحيفه ى نور, جلد 3, ص 102.

16. همان, جلد 6, ص 120.

17.همان, جلد 6, ص 120.

18. كتاب چهارم, ص 301.

19. صحيفه ى نور, جلد 16, ص 126.

20. كتاب چهارم, ص 320.

12. ويژگى هاى انقلاب اسلامى, ص 59.

22. همان, ص 59.

23. همان, ص 59.

24. همان, ص 60.

25. صحيفه ى نور, جلد 18, ص 262.

26. اسرار زندان اوين, ص 78 و 125.

27. همان, ص 92.

28. همان, ص 80.

29. ايثار و شهادت در مكتب امام خمينى (آثار موضوعى دفتر يازدهم), ص 96ـ 97.

30. كتاب چهارم, ص 301.

31.اسرار زندان اوين, ص 125.

32. .صحيفه ى نور, جلد 14, ص 10.

33.همان, جلد 6, ص 120.

34. همان, جلد 9, ص 20.